

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هِيَ سِتْرَانِ آيَةٌ

به اسم الله رحمان رحيم

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ^١ وَجُوهُ^ط يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ^٢ عَامِلَةٌ

آیا رسیده بتو حدیث غاشیه^۱ * رویهائی * آنروز پر خشوع^۲ * در مشقت

تَأْصِبَةٌ^٣ تَصْلِي نَارًا حَامِيَةً^٤ تُسْقَى^{لا} مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ^٥ لَيْسَ

درمصیبت * شوند وصل آتش سوزان را * نوشانده شوند از چشمه جوشان. * نباشد

(۱) غاشیه: آنکه مانند غشا یا پرده همه چیز را میپوشاند. (۲) خشوع: خضوع، فروتنی، ذلیل

لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ^٦ لَا يَسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ^٧

برایشان طعامی الا از ضریع^١ * نکند فربه و نه سیر از جوع.*

وَجُودٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ^٨ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ^٩ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ^{١٠}

رویهائی آنروز شاداب * از سعی خود راضی * در جنت عالیه *

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لِاَغْيَةٍ^{١١} فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ^{١٢} فِيهَا سُرُرٌ

نه میشنوند آنجا لاغیه. ٢ * آنجاست چشمه به جریان. * آنجاست تخت های

(١) ضریع: بته تلخ، خاردار، بدبو و بدشکل. (٢) لاغ: شوخی، فریب، بذله

مَرْفُوعَةٌ^{۱۳} وَأَكْوَابٌ^{۱۴} مَوْضُوعَةٌ^{۱۵} وَمَنَارِقٌ^{۱۶} مَصْفُوفَةٌ^{۱۷} وَزُرَابِيٌّ

مرفوع * و جام ها به مواضع * و بالین ها مصفف * و بساط

مَبْتُوتَةٌ^{۱۸} أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ^{۱۹} وَإِلَى السَّمَاءِ

گسترده. * آیا چرا نمیکنند نظاره سوی شتران چسان خلق شدند * و بسوی سماء

كَيْفَ رُفِعَتْ^{۲۰} وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ^{۲۱} وَإِلَى الْأَرْضِ

چسان مرفوع شده * و بسوی کوها چسان نصب شدند * و بسوی زمین

كَيْفَ سَطَحَتْ ۴۰ ۳ فَذَكَرْ ۳۳ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ۳۱ ۴ لَسْتَ عَلَيْهِمْ

چسان مسطح شده * بکن ذکر. فقط توئی مذكر * نیستی بر آنها

بِمُصِطِرٍ ۳۲ ۳ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى ۳۱ وَكَفَرَ ۳۳ ۴ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ

سرشته دار * الا آنکه روگردانید و کافرشد * میکند عذابش الله بعداد

الْأَكْبَرِ ۳۴ ۳ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۳۵ ۴ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ۳۶ ۴

اکبر. * یقیناً نزد ماست بازگشت آنها * باز یقیناً برماست حساب آنها *